



پیام درگیری مسلحانه اخیر در ایزه

درگیری مسلحانه قهرمانانه چند تن از جوانان سلحشور بختیاری با صدها تن از نیروهای مسلح جنایتکار جمهوری اسلامی که در بامداد ۲۹ آذر در روستایی در نزدیکی شهر ایزه اتفاق افتاد و منجر به جان باختن دو تن از آنان و دستگیری دو تن دیگر گشت، موجی از تحسین و احترام قلبی توده های زحمتکش در سراسر ایران نسبت به این فرزندان شجاع را برانگیخت و به همان نسبت بر ابعاد نفرت و کینه مردم علیه جلادان حاکم و عزم آنان برای مبارزه تا نابودی جمهوری اسلامی افزود.

در طی ماه‌های اخیر، جوانان مبارز ایزه ای موفق شده بودند با حدی از تشکل و تسلیح اقدام به چند عملیات قهرآمیز علیه رژیم جنایتکار و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بنمایند و از جمله با به مجازات رساندن چندین تن از عوامل سرکوب جمهوری اسلامی و همچنین با آتش زدن برخی مراکز سرکوب و ستم و تمثالها و نمادهای رژیم، توانسته بودند وحشت بزرگی را در دل نیروهای دشمن ایجاد نموده و به همان نسبت حمایت مردمی را نسبت به خود جلب کنند.

مطابق گزارشات منتشر شده و مشاهدات مردم محلی در روز حادثه، جوانان مبارز ایزه ای با چهار قبضه سلاح و تعدادی فشنگ در خانه ای در روستای "پرسیلا" در محاصره نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفتند. آنها هنگامی که با موج هجوم و محاصره توسط مزدوران جمهوری اسلامی روبرو شدند به مقاومتی دلیرانه دست زدند. در جریان چند ساعت مقاومت شجاعانه و درگیری سنگین، جوانان مسلح، تعدادی از مزدوران رژیم را کشته و مجروح ساختند. سرانجام دشمن تنها به مدد به کارگیری سلاح های نیمه سنگین نظیر آر پی جی و تیربارهایی که در جنگهای کلاسیک به کار می آید موفق به کشتن دو تن از آنها به نام های زنده یادان حسین سعیدی و محمود احمدی گشت و دو تن دیگر به نامهای عباس (معروف به مجاهد) کورکور و سید مصطفی احمد پور را مجروح و اسیر نمود. رژیم مستأصل جمهوری اسلامی در حالی که همه تلاش خود از دستگیری‌های گسترده در ایزه گرفته تا کشت و کشتارهای رایجش را برای سرکوب جوانان متشکل و مسلح ایزه به کار برده بود و در حالی که از وحشت شکل گیری یک گروه مسلح ضد رژیم حاکم برای دستگیری تنها ۴ نفرحتی سلاح های نیمه سنگین به کار برد، برای قدرت نمائی، با وقاحت خاص خود، آنها را چند "تروریست" بی اهمیت و فاقد پایگاه توده ای و نیرو خواند.

اما علیرغم تبلیغات زهرآگین و هدفمند مطبوعات و سایتهای جیره خوار رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در رابطه با درگیری مسلحانه اخیر، خبر مقاومت قهرمانانه جوانان مبارز ایزه مانند بمبی در سراسر منطقه پیچید و ستایش مردم نسبت به جوانان مبارز خود را برانگیخت. دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی دشمن در یک بیانیه دیکته شده توسط وزارت اطلاعات اعلام کرد که با "اقدام عملیاتی مشترک وزارت اطلاعات، سپاه و فراجا دو نفر از عوامل دخیل در حادثه تروریستی آبان ماه شهرستان ایزه دستگیر و دو نفر دیگر کشته شدند." در این اطلاعیه به طور مذبوحانه و رسوایی تلاش شده تا جوانان مبارز ایزه ای "تروریستهای" عامل کشتار مردم ایزه در جریان جنبش انقلابی ماه های اخیر و به طور مشخص عامل قتل کیان پیرفلک، کودک ایزه ای معرفی شوند، اتهامی که در همان روز کشته شدن کیان پورفلک از سوی مادرش که خود شاهد مرگ فرزندش بود، تکذیب شده بود. کیان پیرفلک کودکی بود که در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۱ و در اوج کشتار و سرکوب مردم به جان آمده ایزه به دست لباس شخصی های مزدور رژیم در این شهر به قتل رسید و ننگ یک جنایت بزرگ را بر پیشانی جمهوری اسلامی حک کرد. اتفاقاً به رغم این تبلیغات شیادانه، مردم شریف ایزه و همچنین بستگان کیان صراحتاً این ادعاهای دروغین را نفی و تاکید کرده اند که جوانان جان باخته در عملیات رژیم هیچ نقشی در کشتار مردم بیگناه نداشته و برعکس بر روی قاتلان جوانان مردم سلاح کشیده بودند.

صحنه‌های دستچین شده چگونگی حمله به محل استقرار جوانان مبارز ایزده ای در تلویزیون رژیم، شامل دیوارهای سوراخ شده و نیمه ویران پیش از آنکه نمایانگر قدرت حکومت در ذهن توده ها شود از شدت هراس و وحشت دشمن از قدرت چند جوان مسلح حکایت می کرد. این رویداد برگ درخشانی بر کارنامه مبارزات آزادیخواهانه توده های تحت ستم ما می افزاید و نشانگر بلوغ بیشتر جنبشی ست که به دلیل سلطه بلامنازع دیکتاتوری جمهوری اسلامی در تار و پود جامعه، به دلیل مسدود کردن هر گونه فضای تشکل و ابراز وجود و اراده مردمی، به دلیل اعمال سیستماتیک سیاست مشیت آهنین در مقابل خواسته‌های عادلانه توده ها و در یک کلام به دلیل سرکوب خونین هر گونه حرکت مسالمت آمیز توسط حکومت، هر چه بیشتر رادیکالیزه شده و به سوی برداشتن سلاح و تشکل خود در مقابل سپاه و ارتش و نیروی انتظامی رژیم گرایش پیدا کرده است. حرکت‌های جوانان مبارز ایزده منعکس کننده تلاش برای سازماندهی و وجود سطحی از تشکل، کار جمعی، و آگاهی سیاسی ست. درست همین واقعیت است که مایه اصلی وحشت وزارت اطلاعات و کل دستگاه حکومتی می باشد، حکومتی که به هر وسیله مانع از شکل گیری تشکل های مردمی برای رسیدن به خواسته های انقلابی و برحق خویش گشته است.

درگیری مسلحانه جوانان رزمنده ایزده انعکاس حرکت و جنبش نوینی در جامعه تحت سلطه ماست که در جریان ۴۴ سال حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به طور کلی و به ویژه در خیزش های سالهای ۸۸، ۹۶، ۹۸ و بالاخره خیزش انقلابی سه ماهه اخیر در ایران هر روز بیشتر از قبل عروج گریزناپذیر خود را به دشمن تحمیل و پیام خویش را با بانگی رساتر به جامعه و به دشمنان خلق به این گونه اعلام کرده است: برای پیشروی در پیکاری که بین خلق و ضد خلق در کشور ما جاری ست قهر ضد انقلابی را تنها با قهر انقلابی می توان و باید پاسخ داد و مبارزه مسلحانه راه اصلی رسیدن به آزادی در شرایط دیکتاتوری عریان و تا بن دندان مسلح جمهوری اسلامی است. در پروسه این شکل اصلی مبارزه در ایران است که کارگران می توانند تشکیلات مورد نیاز برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم را بنا نهند. تشکل و تسلیح کارگران و جوانان آگاه اولین گام در این پروسه است، پروسه ای که جوانان ایزده ای در آن جهت گام برداشتند.

آنچه که با ریخته شدن خون پاک حسین سعیدی و محمود احمدی و اسارت دو هم‌رزم آنان بر تارک این ایام نقش بست، عبارت از این تجربه است که در شرایط حاکمیت دیکتاتوری مطلق العنان جمهوری اسلامی راهی که این جوانان مبارز در آن پای گذاردند، راه اصلی مبارزه با دشمنی ست که هیچ زبانی به جز زور و قهر را نمی فهمد. بی دلیل نیست که جوان آگاه و مبارز، شهید حسین سعیدی پیش از جان باختن قهرمانانه اش در استوری اینستاگرامش از جوانان و مردم خواسته بود: "در زمانی که ظلم و فقر بیداد می کند، در اندک فرصتی که انقلاب مردمی رو به پیروزی ست، به مردم بپیوندید و با درگیریهای جداگانه در سراسر شهر با هر نوع سلاحی که دارید مردم را یاری دهید..." و به جمهوری اسلامی تاکید کرده بود که در مقابل این رژیم "سر خم" نخواهد کرد.

اکنون جمهوری اسلامی جنایتکار بیش از هر زمان دیگری باید اطمینان داشته باشد که همانطور که تاریخ مملکت خود ما چه در زمان رژیم تبهکار شاه و چه در این حکومت نشان داده، در گیری و دستگیری و جان باختن قهرمانانه جوانان ایزده ای "پایان کار" چند تروریست "جدا از توده" در گوشه ای از این سرزمین نیست. تجربه ای که از این رویداد با خون پاک سعیدی ها و احمدی ها برای هزاران جوان آگاه و مبارز دیگر به جای می ماند، این است که نه تنها برای سرنگون کردن رژیم اهریمنی جمهوری اسلامی، بلکه برای یک انقلاب پیرومند که نقطه پایانی بر تمام دردها و محرومیت‌ها و سرکوب‌های جاری بگذارد، برای تحقق "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال"، امر تشکل و خود سازماندهی و تسلیح مبارزین در هسته های مخفی کوچک و انجام عملیات نظامی علیه رژیم به منظور تضعیف قدرت سرکوب آن یک مرحله ضروری ست. هدف اصلی مبارزین اما باید بر گسترش و توده ای کردن این مبارزه مسلحانه و عادلانه برای تشکیل ارتش توده ای ای باشد که نه تنها جمهوری

اسلامی را به گورستان تاریخ خواهد سپرد بلکه تضمین کننده شکل گیری یک ایران دمکراتیک و یک نظام مردمی ست که مطابق آرزوی صادقانه حسین سعیدی ها در آن از "فقر و ظلم" خبری نباشد.

**جاودان باد خاطره عزیز مبارزین در خون خفته بختیاری حسین سعیدی و محمود احمدی!
درود به مبارزین دربند ایذه ای که برای آزادی مردمانشان سلاح به دست گرفتند!
نابود باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب!**

**چریکهای فدائی خلق ایران
۳ دی ۱۴۰۱ برابر با ۲۴ دسامبر ۲۰۲۲**